

سخن سردبیر

کتابخانه به نوعی معنای عمومیت را در خود دارد. وقتی به عمومی وصف می‌شود یا برای تأکید است و یا برای افزایش بار عمومیت در این نوع کتابخانه‌هاست. معنای دیگر آن این است که دانشی که در درون کتاب‌هاست مربوط به همه است و تداعی‌کننده شعاری است که می‌گوید «دانستن حق عمومی همه» است و همه باید بر دانایی خود بیفزایند. از جهت دیگر باید گفت که کتابخانه عمومی در بین کتابخانه‌ها، چه به لحاظ تاریخی و چه به لحاظ موضوعی، حق تقدم دارد. در واقع کتابخانه عمومی مادر همه کتابخانه‌هاست و همه کتابخانه‌های دیگر از قبیل آموزشگاهی، دانشگاهی، تخصصی، مساجد، بازار و مانند آن پس از آن بوجود آمده‌اند. جالب است که در این تعریف حتی کتابخانه ملی هم به نوعی کتابخانه عمومی است. در تعریفی که *لغت‌نامه دهخدا* برای کتابخانه عمومی و کتابخانه ملی داده‌است فرق چندانی ملاحظه نمی‌شود. تعریف کتابخانه عمومی در این منبع چنین است: «کتابخانه‌ای است که شخص و یا مؤسسه دولتی برای عموم فراهم کرده باشد و کتابخانه ملی نیز کتابخانه‌ای است که از طرف ملت و یا دولت برای استفاده عموم ملت فراهم شده باشد».

در واقع کتابخانه عمومی به مثابه دانشگاه عمومی است که عموم مردم برای افزایش معلومات خود و نیز تماس و ارتباط با متخصصان گوناگون و مبتکران و علاقه‌مندان به دانش و فرهنگ به آنجا روی می‌آورند. اگر در جایی کتابخانه‌های عمومی این چنین نیست، نه به معنای آن است که کتابخانه عمومی وظایفش تغییر کرده است، بلکه به این معنا است که امکانات یا ضعیف است، و یا مسئولان و متولیان کتابخانه‌های عمومی به وظایف خود آشنا نیستند و تلقی آنها در خدمات محدودی در چهاردیواری ساختمانی با مجموعه‌ای از کتاب‌ها محصور است. اگر کتاب را به معنای آنچه در بین دو جلد قرار گرفته‌است به حساب نیاوریم و آن را به عنوان محمل دانش و اطلاعات تلقی کنیم، معنای کتابخانه عمومی از چند جهت قابل بررسی است.

- ۱- اینکه همه مردم مخاطبان آن هستند.
- ۲- اینکه همه نوع خدمات در آن یافت می‌شود و یا باید یافت شود.
- ۳- اینکه همه نوع مواد از قبیل کتاب، مجله، مواد سمعی و بصری در آن وجود دارد.

۴- همه مسائل اجتماعی و فرهنگی به نوعی به آن برمی گردد و یا آئینه تمام نمای علایق، خواستها، مسائل و مشکلات اجتماعی باید باشد.

اگر در مورد هر یک از بندهای چهارگانه بخواهیم سخن بگوئیم باید گفت بند اول نیاز به توضیح دارد که کتابخانه عمومی، مخاطبان عام دارد و همه اقشار جامعه از زن و مرد، کوچک و بزرگ، متخصص و عادی از هر قشر و فرهنگی می توانند و یا باید به کتابخانه عمومی مراجعه کنند و در خور نیاز خود به رفع آن پردازند و یا راهنمایی لازم بگیرند تا به مراکز دیگر مراجعه کنند. در واقع در بسیاری از موارد کتابخانه عمومی نقطه شروع برای همه اقشار جامعه است. در همین رابطه بند دوم نیز مطرح می شود و نظر به این عمومیت باید همه نوع خدمات در کتابخانه عمومی پیش بینی شود. از خدمات امانت کتاب تا بخش مرجع، و یا آموزش و آشنایی با نحوه استفاده از کتابخانه در سطح سنتی، الکترونیکی و یا هر دو مورد در آن وجود داشته باشد، برای این منظور کتابخانه عمومی به تدارک همه نوع مواد از کتاب، مجله، مواد سمعی و بصری و اتاق های مشاوره در ابعاد گوناگون می پردازد.

اما آنچه به درستی باید در کتابخانه های عمومی مورد توجه قرار گیرد و مبدأ تحول شود بند ۴ فوق الذکر است و آن اینکه کتابخانه عمومی ملجأ و پناهگاه همه مشکل داران از یک طرف و زمینه ساز پیشرفت و خلاقیت برای همه داعیه داران و مستعدان از طرف دیگر است. به عبارت دیگر کتابخانه عمومی آئینه تمام نمای جامعه ای است که آن کتابخانه در آن قرار دارد. کتابخانه باید هم منعکس کننده خواست ها و علائق مردم خود باشد، هم زمینه ساز بروز خلاقیت ها و استعداد های مردم گردد و هم برطرف کننده مشکلات و آسیب های فردی و اجتماعی باشد. اگر چنین دیدی به کتابخانه عمومی داشته باشیم آن وقت مسئولان و متولیان کتابخانه تنها نمی مانند. آنها رابطانی هستند که ضمن اینکه به مقدار زیادی با دانش و بینش خود به حل مسائل می پردازند، رابط و واسطه ای هستند تا با همه داعیه داران و متخصصان و مبتکران و صاحب نظران مرتبط باشند و در صورت لزوم آنها را گردهم آورند و از راهنمایی و مشاوره آنها هم خود بهره برند و هم دیگران را بهره مند سازند.

چنین نگاهی به کتابخانه، نگاه توسعه و پیشرفت است. با این دید، کتابخانه قلب تپنده و مغز متفکر جامعه ای است که مردم در آن زندگی می کنند. این کتابخانه بر حسب استعداد خود، افراد فکور و فهیم را در خود جای می دهد و مکان مناسبی است تا همه اقشار جامعه بر حسب

برنامه‌ریزی‌های انجام شده در آن ایفای نقش کنند. در واقع اگر چنین شود هر انسان علاقمندی، نقطه شروع کار خود را از کتابخانه عمومی می‌بیند. چنانکه اگر تازه‌واردی به شهر درآید برای جهت‌یابی فکری خود به آن مراجعه می‌کند. سیاستمداران به همان اندازه به کتابخانه عمومی محتاج خواهند بود که اقتصاددانان برای رفع مسائل اقتصادی و یا اخذ پیشنهاد سازنده مالی، جامعه‌شناسان برای تحلیل مسائل اجتماعی و حقوقدانان برای بررسی مسائل حقوقی به آن نیازمندند. کتابخانه عمومی نباید فقط مرکز انباشت مجموعه‌های غنی باشد، بلکه از طریق این کتابخانه‌ها باید همه متخصصان و صاحب‌نظران در امور عمومی و اداره شهر و جامعه با هم مرتبط باشند و با هم تشریک مساعی و تبادل نظر کنند.

فصلنامه پیام کتابخانه بر اساس چنین اندیشه‌ای دست به تحول در انتخاب هیئت تحریریه زده است و با سنت‌شکنی آنها را از تخصص‌های مختلف برگزیده است و به همگان اعلام کرده که کتابخانه‌ها و کارکنان آنها خدمتگذاران جامعه هستند. ضمن احترام به کتابداران و اطلاع‌رسانان که کار اصلی هدایت کتابخانه عمومی و مسائل مرتبط با آن را بر عهده دارند در حدّ وسع و رعایت موازین قانونی از تخصص‌های دیگر چون روانشناسی، علوم تربیتی، مدیریت، ارتباطات و فن‌آوری بهره گرفته است. با این امید که صاحب‌نظران مختلف فضای کتابخانه‌های عمومی را شکافته و آن را از دایره تنگ فعلی بدر آورند و به صحنه اجتماع ببرند و اجتماع را نیز به درون کتابخانه عمومی بکشانند. باشد با این تعامل دو جانبه کتابخانه‌های عمومی، چراغهای فروزان اجتماعی گردند و در معماری شهر نقش و نگینی باشند و از حاصل چنین تعاملی رشد و شکوفایی حاصل آید.

انشاء...